

## داستان کوتاه جنگ

# همچنان در راه

### بررسی کتاب شخصیت پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس

محمود رنجبر\*

داستان کوتاه در قالب جدید، اگرچه عمری قریب نود سال دارد، اما پشتوانه حکایت‌های اخلاقی و روایت‌های شبانه ادبیات کهن، نظیر تاریخ بیهقی، مثنوی معنوی، فرج بعد از شدت گلستان سعدی و مقامات حمیدی، از نمایه‌ای دلپذیر و قابل اعتنا برخوردار است. پاره‌ای از حکایت‌های این کتاب‌ها و «داستانک»‌های دیگری از نویسندگان دوره‌های مختلف ادبی، نشان‌دهنده روایت‌های داستانی در تاریخ ادبیات ایران است. پی‌ریزی قالبی نوین برای داستان کوتاه توسط نویسندگان پیشگام جهان، نظیر ادگار آلن پو، گوگول، گی دو ماپاسان و چخوف صورت گرفته است. در ایران، محمدعلی جمال‌زاده با مجموعه داستان‌های یکی بود یکی نبود، طلایه‌دار داستان‌نویسی کوتاه به شیوه جدید بوده است. در این میانه‌ها، با رشد داستان کوتاه، توجه به نقد داستان کوتاه نیز زمینه را برای شکوفایی هرچه بیشتر آن فراهم کرد. آثاری ارزشمند همچون قصه، داستان کوتاه، رمان، نوشته جمال میرصادقی (۱۳۶۰)، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی؛ کریستف بالایی، میشل کویی پرس، از احمد کریمی حکاک (۱۳۶۶) داستان کوتاه ایران، نوشته محمد بهارلو (۱۳۷۳)، داستان و نقد داستان، نوشته هوشنگ گلشیری (۱۳۷۸) هنر داستان‌نویسی، نوشته ابراهیم یونسی (۱۳۷۹)، داستان کوتاه در آینه نقد، نوشته هلن اولیایی‌نیا (۱۳۷۹) و ... را می‌توان از میان کارهای ارزشمند نام برد، که رویکردهایی ارزشمند در حوزه ساماندهی و جهت‌دهی داستان کوتاه به وجود آورده‌اند.

با ظهور انقلاب اسلامی، مهم‌ترین حرکت فرهنگی و هنری در ساحتی به پهناوری ایران رقم خورد. فضای مناسب ترجمه و نقد آثار مشهور جهان، زمینه را برای تموج افکار و تعاطی اندیشه‌های نو در حوزه ادبیات

\* شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس.

\* حسن بارونیان.

\* چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های

دفاع مقدس، ۱۳۸۷.

و هنر رقم زد. اما در میانه این حرکت باران‌زا، پدیده‌ای جدید با عنوان ادبیات انقلاب اسلامی نیز شکل گرفت. اگرچه این ادبیات به لحاظ قالب و ساختار، جدای از ادبیات کهن ایران نبوده است، اما بُن‌مایه‌های فکری و روش‌نای حرکتی را با خود داشت که توجه بسیاری از جوانان خوش‌ذوق و پیران راه را به خود جلب کرد. با آغاز جنگ تحمیلی هشت‌ساله، از دل ادبیات انقلاب اسلامی تصویری هنرمندانه با عنوان ادبیات جنگ به وجود آمد، که بر حسب عناصر متشکله، سبک نوین و نگاه هدفمند، می‌توان از آن به عنوان ادبیاتی مستقل در اندیشه و پیوسته در ریشه یاد کرد. هنرمندان ادبیات جنگ به انواع مختلف ادبی توجه نشان دادند. داستان کوتاه به عنوان یکی از انواع ادبی، زودتر از شعر جنگ دغدغه نویسندگان جوان این حوزه را به خود اختصاص داد. بی‌شک، نقدهای قابل توجه درباره داستان‌های کوتاه جنگ نیز همانند آفرینش‌های ادبی، نشان‌دهنده تراوش طیب آثاری معتنا بوده است.

نیم‌نگاهی به هشت سال قصه جنگ نوشته رضا رهگذر (۱۳۷۲)، داستان کوتاه ایران، نوشته محمد بهارلو (۱۳۷۳)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، نوشته منوچهر اکبری (۱۳۷۳)، و مقالات متعدد نشریه ادبیات داستانی و جنگ‌های «سوره»، اگرچه مقیاسی محدود دارند، اما نویدبخش‌شناسایی و بازخوانی آثار این حوزه محسوب می‌شوند.

در گفت‌وگو از آثار منتشرشده در حوزه ادبیات جنگ، دو نظریه متفاوت وجود دارد: عده‌ای معتقدند برای نگارش هر اثر در هر مقطع تاریخی، لازم است که از حادثه اصلی دور شویم. در پناه این دور شدن، نگاه ما کامل‌تر می‌شود و بیان ما از خامی به پختگی می‌گراید. دوم اینکه، اگر مدت زمان زیادی از یک حادثه بگذرد، بسیاری از وقایع فراموش خواهد شد. زمان همیشه آستن وقایع گوناگون است (صرفی، ۱۳۸۷: ۲۸۲). به نظر می‌رسد وجه بیرونی نظر نخست تفوق داشته است؛ زیرا با وجود موضوعات تازه و ظهور بیش از ۲۵۸ نویسنده از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳، همچنین خلق حدود ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه و ۴۶ رمان دفاع مقدس در ایران تا سال ۱۳۷۰، تعداد اندکی از این آثار خودی نشان داده‌اند. بنابراین انتشار اثر در این زمینه را باید به فال نیک گرفت تا بستر مناسب برای خلق و کاوش در آثار حوزه جنگ بیش از پیش فراهم شود.

هم‌تراز خلق آثار ادبی در حوزه جنگ، تحلیل و بررسی آنها نیز از اهمیتی ویژه برخوردار شده است. یکی از آثاری که تلاش کرده است در حوزه نقد گام نهد، کتاب شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، نوشته حسن بارونیان است، که به همت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس منتشر شده است. این اثر، همان گونه که از اسم آن مشخص است، به بررسی یکی از عناصر تشکیل‌دهنده داستان کوتاه می‌پردازد. نویسنده در این کتاب طی ۹ فصل و یک مقدمه تقریباً مفصل (۳۵ صفحه)، با موضوعات زیر به تحلیل مبحث می‌پردازد: جنگ و بازتاب آن در زمینه‌های گوناگون جامعه؛ جایگاه جنگ در ادبیات داستانی جهان؛ نگاهی به جنگ عراق علیه ایران اسلامی؛ ادبیات

دفاع مقدس؛ ادبیات داستانی دفاع مقدس؛ مفاهیم و تعاریف داستانی؛ شخصیت‌پردازی در داستان؛ شخصیت‌پردازی در هفت مجموعه داستان کوتاه دفاع مقدس؛ جمع‌بندی بحث؛ نتیجه‌گیری.

### پژوهشی کلان‌محور یا ...

علت موفقیت بسیاری از آثار بزرگ، توصیف شخصیت‌های داستان و ماندگاری آنها در ذهن خوانندگان است. همان گونه که از فهرست عناوین کتاب شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس مشخص است، نویسنده حرکتی از کل به جزء را در پژوهش خود مورد توجه قرار داده است. فصل هشتم کتاب، محور اصلی تحقیق نویسنده محسوب می‌شود. او در این بخش هفت مجموعه زیر را از منظر شخصیت تحلیل کرده است؛ این داستان‌ها عبارتند از: کلرون پر از کلاه نوشته اکبر خلیلی (۱۳۷۱)، دو کبوتر، دو پنجره، یک پرواز، نوشته سیدمهدی شجاعی (۱۳۶۶)، آن سوی مه، نوشته داریوش عابدی (۱۳۶۶)، داستان‌های شهر جنگی، نوشته حبیب احمدزاده (۱۳۷۶)، مقتل، نوشته محمد بکایی (۱۳۶۹)، همه زندگی، نوشته احمد غلامی (۱۳۷۶)، طعم باروت نوشته مجید قیصری (۱۳۷۷).

نویسنده در صفحه ۳۳ پژوهش خود نوشته است: این فصل «شامل هفت بخش است. در هر قسمت، ابتدا ضمن معرفی مجموعه داستان مورد بحث و نویسنده‌اش و نیز بیان موضوعات داستانی هر مجموعه، خلاصه داستان‌های آن ذکر می‌شود، سپس ویژگی‌های اجتماعی، شخصیت‌های ... بحث می‌شود».

نگرش «کلان‌محور» نویسنده در نوع حرکت پژوهش، موجب شده است تا بخش‌های مقدماتی، به‌ویژه کلیات مباحث، فربه‌تر از اصل بحث شود. اگرچه نباید از ذهن دور داشت که هدف هر پژوهشی، یافتن و حل یک مسئله است. در واقع، پژوهشگران با موضوعات مختلفی سر و کار دارند که از میان آنها و با ژرف‌کاوی به همراه طرح سؤال، توجه از موضوع به سمت مسئله معطوف می‌شود. چنان که پژوهشگر خود را درگیر موضوع نماید، سخنان وی از مناسبات کلی و کلیشه‌ای، فراتر نخواهد رفت. پژوهشی می‌تواند حائز اهمیت باشد که محقق در آغاز پژوهش نگاه مسئله‌یاب داشته باشد. به هر روی، خواننده‌ای که در مواجهه با کتاب شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس به کلیاتی نظیر «چرایی و چگونگی جنگ عراق علیه ایران بر می‌خورد»، کمتر تمایلی به خواندن حاصل «عرق‌ریزی روح» پژوهشگر خواهد داشت؛ ضمن اینکه نویسنده از روی سهو به این مدعا مهر تأیید می‌نهد که پژوهش مذکور، در آغاز «بررسی تحلیلی شخصیت‌پردازی در هفت مجموعه داستان کوتاه جنگ، از هفت نویسنده دفاع مقدس» (ص ۶۰۳) بوده است. دغدغه حل مشکلات عالم - همواره - یکی از مواردی است که موجب می‌شود محقق به جای گفت‌وگو و حل یک مسئله، به کلی‌گویی و موضوع‌نگاری روی آورد. نگارش کلیات جنگ توسط نویسنده کتاب شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، به همین موضوع ختم نمی‌شود؛ بلکه

وی با طرح «کولاژ» وار موضوع، مخاطب را از اندیشیدن درباره حقیقت در سطح افقی (پرسپکتیو) اثر دور می‌کند و خواننده، خود را با طرحی مشوش و سرسام‌چیدمان موزائیکی نقل‌قول‌ها مواجه می‌بیند. این درد سخت‌درمان [!] البته به سبب ساخت پاره‌ای از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها، در بسیاری موارد ضربه‌ای بزرگ به حوزه فرهنگ وارد کرده است؛ به عنوان نمونه و حسب تصادف، فصل دوم و هفتم کتاب مذکور، سطر به سطر شماره شده و تعداد نقل‌قول‌ها و نوشته مؤلف طی جدول زیر به دست آمد، که نشان‌دهنده ضعف مفرط در پژوهش‌های صرف متکی به نقل‌قول‌های متعدد و گاهی متناقض است:

جدول یک: فصل دوم

تعداد صفحه	تعداد کل سطر	تعداد سطرهای نقل‌قول	تعداد سطرهای تحلیل و نظر نویسنده
۱۶	۳۹۱	۳۸۴	۷

جدول دو: فصل هفتم

تعداد صفحه	تعداد کل سطر	تعداد سطرهای نقل‌قول	تعداد سطرهای تحلیل و نظر نویسنده
۵۵	۱۳۹۰	۱۱۲۷	۲۶۳

کلی‌گویی آقای بارونیان، غیر از مشوش‌نگاری، ضربه بزرگ دیگری به این موضوع (شخصیت‌پردازی ...) زده است؛ تا حدی که می‌توان گفت خواننده، خود را با موضوعی مثله‌شده تنها می‌بیند. درگیری نویسنده با موضوعاتی که فایده‌چندانی برای تحلیل شخصیت‌پردازی اثر ندارد، جز اینکه حجم کتاب را زیاد کرده، بهره دیگری نداشته است؛ ضمن اینکه پژوهشگر در نگارش هر اثری، فصل پیشین را مقدمه و بنیاد فصل بعد قرار می‌دهد؛ حال آنکه اگر در اثر یادشده، فصل اول تا سوم (۹۲ صفحه) را حذف کنیم، هیچ اتفاقی در کلیت پژوهش رخ نخواهد داد؛ ضمن اینکه پریشان‌نویسی اثر باعث شده است، نویسنده از مفاهیم نقد در مورد شخصیت‌پردازی دور بماند. به عبارتی، تحلیل تکوین شخصیت در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، که در فصول پیشین می‌بایست مقدمه‌ای برای فصل هشتم کتاب به عنوان «فصل محوری» آن باشد، به مجموعه‌ای منفصل و کلیشه‌ای بدل شده است. بنابراین نویسنده با یک نسخه سنتی، شامل ویژگی‌های اجتماعی شخصیت‌ها، طبقه اجتماعی هرکدام در داستان‌ها و در بخش بعد، شیوه‌های معرفی شخصیت‌ها، به سراغ تحلیل هفت مجموعه داستان کوتاه رفته است؛ حال آنکه تقسیم‌بندی شخصیت‌های داستان کوتاه، با بهره‌گیری از شخصیت‌های مسطح و مدور، شخصیت‌پردازی توصیفی و ...، که در داستان‌های نوین امروزی نمود یافته است، می‌توانست چراغ راهی مطمئن برای توصیف انگیزه‌ها و ویژگی‌های اخلاقی شخصیت‌های هفت مجموعه داستان مورد اشاره باشد.

اگر چه اصل نگارش درباره داستان‌نویسی کوتاه، امری پسندیده و درخور توجه است، اما به جهت اهتمام به حوزه نقد و نیز محدودیت صفحات، به

اجمال پاره‌ای از نکات قابل توجه در این کتاب ارائه می‌گردد:

### غلط‌های چاپی و املائی

بی‌هیچ تردید، بخش قابل‌توجهی از این اثر، نقل‌قول است؛ اما ویرایش، به عنوان امری استحسانی، می‌تواند به یکدستی کتاب کمک کند. پاره‌ای از اغلاط نوشتاری و چاپی به شرح زیر است:

صفحه	سطر	غلط	درست
۲۵	۱۱	تخیل	تحلیل
۳۴	۶	یشنهادات	پیشنهادها
۷۳	۱۰	کاریسر	کاسیرر
۷۵	۲۱	به سال ۱۹۲۰ تولد یافت	به سال ۱۹۲۰ تولد یافت
۹۰	۱۳	مغایر دارد	مغایر است/ مغایرت دارد
۹۵	۱۱	پیش	بیش
۱۰۶	۲۱	سیاست‌گزاران	سیاست‌گذاران
۱۱۶	۸	استمرار بخشیدن	استمرار
۱۲۳	۳	در نزد	نزد
۱۲۴	۲۰	چهارده	سیزده
۱۳۰	۹ و ۱۰	گونه‌گون	گوناگون
۱۹۰	۱۱	تجزیه	تجزیه
۲۵۴	۱۵	نمی‌تواند	نمی‌توان
۳۰۴	۹۱	واقیعت ر	واقیعت

- کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم؛ مانند: دو جنگ جهانی در آن در انتظار بود (ص ۷۰، سطر ۱۳)

- تکرار در: ص ۹۳، سطر ۵، ص ۲۵۴، سطر ۱۲، ص ۲۲۸، سطر ۱۱ و ...

### اصالت در نوشتار

مشخصه پژوهش‌های اصیل و معتبر، توجه محقق به منابع اصیل و دست‌اول است، نه شرح و نقل و اخذ و اقتباس (فتوحی، ۱۳۸۸: ۳۲). این مهم باعث می‌شود نوعی انضباط ذهنی، به همراه قدرت تفکر منظم در محقق پدید آید. در کتاب شخصیت‌پردازی... خواننده با نقل‌قول‌هایی مواجه است که یکی پس از دیگری آمده و نویسنده در اشارتی اندک، با عبارت «... چنین می‌گوید» یا «... منتقد و نویسنده ادبیات داستانی این گونه اظهار می‌کند»، اقتباس‌ها و نقل‌قول‌ها را به هم متصل کرده است. در پاره‌ای موارد، این نقل‌قول‌ها در تناقض یکدیگر و در پاره‌ای موارد، به تکرار انجامیده است؛ نظیر:

#### ۱. تناقض

- ص ۹۰، سطر ۱۵ و ۱۶: «با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و ... مسائل ناشی از گروگان‌گیری و تصرف سفارت آمریکا در تهران و انزوای سیاسی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در جهان و از طرف دیگر ...»

- ص ۱۳۸، سطر ۱۲: «جنگ ایران و عراق باعث رونق و شکوفایی ادبیاتی تازه تحت عنوان ادبیات دفاع مقدس ... در تناقض با - ص ۱۶۷، سطر ۱ و ۲: با شروع جنگ تحمیلی ... ادبیات جنگ هم پدید آمد. دگرگون شدن زندگی بر اثر جنگ، مسائل تازه‌ای را در دستور کار

ادبیات قرار داد.

مؤلف در صفحه ۱۳۸، سطر ۱۷ مطلبی با عنوان «گونه‌های ادبی دفاع مقدس» را به نقل از دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی دکتر حسن انوشه ذکر می‌کند؛ در حالی که اصل این تقسیم‌بندی، در کتاب صور خیال در شعر مقاومت نوشته حسن قاسمی، صفحات ۶۷ به بعد آمده است. آقای بارونیان بدون ذکر این کتاب به عنوان منبع اصلی، تنها به یک مقاله ارجاع می‌دهد. اگرچه مقاله یادشده، در ارجاعات مؤلف محترم نیز به لحاظ تاریخ چاپ، ارجح از کتاب مذکور نیست.

در صفحه ۱۸۵، سطر ۱۸، بدون ارجاع می‌نویسد: «ولادیمیر پروپ، منتقد و نظریه‌پرداز ساختارگرای روسی، ادبیات جنگ را ادبیات محمول نام نهاد الف شهید می‌شود...».

در صفحه ۲۲۱، سطر ۸، در بیان تفاوت داستان کوتاه و قصه می‌نویسد: «در قصه آدم‌ها به صورت کلی‌تر مطرح شده‌اند؛ اما در داستان، آن کلیات یا شخصیت‌پردازی، دقیق‌تر به تکامل رسیده‌اند». در صفحه ۲۲۲، سطر ۲۰، در نقض سخن خود جمله‌ای با این عبارت را نقل می‌کند: «در داستان کوتاه، اغلب فرصتی برای پرداخت و تکوین شخصیت‌ها و گسترش درون‌مایه وجود ندارد...». در صفحه ۲۲۴، سطر ۳ نیز در تناقض دوباره، نقل‌قولی دیگر را می‌آورد: «داستان کوتاه اغلب یک شخصیت گسترده و کامل را ترسیم می‌کند».

ص ۲۱۲، سطر ۹: «باید توجه داشت که داستان‌های کوتاه اصولاً یک پرسناژ (شخصیت) اصلی بیشتر ندارند. به ندرت اتفاق می‌افتد که شخصیت یک داستان در اهمیت از هر حیث با هم برابر باشند». نویسنده گفته خود را در صفحه ۲۱۴، سطر ۱۷، با نقل‌قول از کتاب مبانی داستان کوتاه این گونه نقض می‌کند: «داستان کوتاه، داستانی است که در آن به قصد بیان پیامی واحد، شخصیت یا شخصیت‌های اصلی در واقعه‌ای واحد نشان داده می‌شوند». و یا در صفحه ۶۰۴، سطر ۱۵ می‌نویسد: «نویسندگان داستان کوتاه دفاع مقدس، شخصیت‌های متعددی را وارد داستان‌ها می‌کنند».

۲. تکرار

تکرار عبارت صفحه ۱۱۳، سطر ۲ در همان صفحه، سطر ۲۵.  
ص ۲۵۴، سطر ۱۳: «تکنیک نقشی لازم را به عهده دارد و هیچ هنرمندی قادر نیست خود را از قید آن رها سازد. به راستی آیا می‌توان تکنیک را یک قید دانست؟ تکنیک، هنر داستان شدن متن است». بنابراین نقیض جمله مؤلف می‌تواند این گونه باشد که: «هر کسی خود را از قید تکنیک رها کند، بی‌هنر است»؛ در حالی که بیان مکاشفات و خاطرهما، بدون بهره‌گیری از پیرنگ، شخصیت‌پردازی، زاویه دید و ... که از عناصر تکنیک داستانی است - موجب نمی‌شود که ما گوینده را بی‌هنر بدانیم!

ص ۳۰، سطر ۳: «شیوه شخصیت‌پردازی در آثار جنگ، مانند داستان‌نویسان پیشین ایرانی که در پرداخت شخصیت‌های خود از دو

روش، شخصیت‌پردازی مستقیم و غیرمستقیم ... استفاده می‌کنند...». اگر چنین چیزی صحت داشته باشد، باید گفت داستان‌های جنگ هیچ گونه نوآوری در شخصیت‌پردازی ندارد؛ ضمن آنکه منظور مؤلف محترم از کاربرد واژه «پیشین» مشخص نیست. کافی بود ایشان به فرهنگ اصطلاحات ادبی مراجعه می‌کردند! در آنجا آمده است: «نویسنده ممکن است شخصیت‌های خود را به سه شیوه خلق و معرفی کند: ۱. توصیف و تشریح مستقیم، ۲. غیرمستقیم در ضمن عمل و گفتار به فرایند خواننده آورد، ۳. نویسنده در مقام دانای کل و بی‌طرف (راوی بی‌طرف)، ذهنیات آگاه و نیمه‌آگاه اشخاص را به خواننده منتقل کند (داد، ۱۳۸۷: ۳۰۲)».

### بخشی‌نگری به داستان کوتاه جنگ

کاوش در شخصیت‌پردازی نمی‌تواند محدود به هفت داستان مورد تحلیل مؤلف باشد؛ زیرا پس از آثار یادشده، که جدیدترین آنها مربوط به سال ۱۳۷۷ (مجموعه داستان طعم باروت نوشته مجید قیصری) است، آثار ارزشمندی منتشر شده که در آنها زاویه دید نویسنده توانسته است شخصیت‌های داستان کوتاه را از منظرهای مختلف در معرض دید خواننده قرار دهد. ضمن آنکه مؤلف شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس در چندین عبارت به گونه‌ای اظهار می‌دارد که نویسندگان داستان‌های کوتاه جنگ - صرفاً - کسانی هستند که در جنگ حضور داشته‌اند! به عنوان نمونه:

ص ۳۱، سطر ۱۲: «از این میان، نویسندگانی که از نزدیک با جنگ آشنا بوده ... رو به سوی داستان‌نویسی آوردند و در داستان‌های آنها مطالب و تصاویر زندگی زمان جنگ با واقع‌گرایی بیان شده است ... کوشش این نویسندگان بر آن است ... واکنش‌های رزمندگان و مردم ما را در زمان جنگ چنان که بوده و هست، آشکار و بی‌پرده بیان نمایند».

ص ۱۳۵، سطر ۱: «نویسندگان ادبیات پایداری کسانی هستند که بیش از آنکه پای به میدان ادبیات بگذارند، در میدان‌های نبرد، آزمودنی‌ها را آزمودند».

ص ۱۳۷، سطر ۱۰: «نویسندگان ادبیات دفاع مقدس کسانی هستند که با جنگ را تجربه کرده و یا از نزدیک در میدان جنگ حضور مستقیم نداشته‌اند؛ اما بالاخره در زمان جنگ، در این کشور که درگیر جنگ بوده است، زیسته‌اند و متأثر از مسائل روحی و روانی و اجتماعی جنگ بوده‌اند».

ص ۱۵۱، سطر ۱۴: با شعله‌ور شدن آتش جنگ ایران و عراق ... نویسندگانی چند از نزدیک شاهد وقایع جنگ بودند؛ بعضی زیر فشار موشک‌های دشمن مرز آن را چشیدند و انگشت‌شماری نیز در کندوکاو خاطرات دیگران به آمیزه‌ای از تخیلات خود سعی کردند مرز تلخ جنگ را بچشند».

ص ۱۷۲، سطر ۴: «با نگاهی به داستان‌های کوتاه جنگ ایران و عراق می‌توان دریافت که بخش اعظم این داستان‌ها به روایت وقایع مذکور اختصاص یافته‌اند».

همان گونه که مشاهده می‌شود، نویسندگان، حیطهٔ زمانی ادبیات پایداری را در محدوده وقوع جنگ و نویسندگان داستان جنگ را از کسانی می‌داند که در همان محدوده به جنگ رفته یا درگیر غیرمستقیم آن بوده‌اند؛ اما با نقل قول‌هایی که در صفحاتی دیگر می‌آورد، این مدعای خود را نقض می‌نماید:

- ص ۶۰۳، سطر ۸: «شخصیت‌های داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، برداران و نوجوانانی هستند که طی هشت سال دفاع مقدس، در جبهه‌های جنگ حماسه‌های بزرگ و جاودانه آفریدند».

- ص ۶۰۴ سطر ۷: «شخصیت‌های کوتاه دفاع مقدس، کسانی هستند که در متن دفاع مقدس حضور عینی داشتند و آن را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند. آنها آدم‌هایی هستند که در جبهه‌های جنگ، در پشت خاکریز برای خود جبهه را آرمان شهری می‌دانند که در آن ریا ... رنگ می‌بازد».

### جملات سست پیوند

مرحوم جلال‌الدین همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی ضمن تعریف فن بدیع می‌نویسند: شرط اصلی سخن‌آرایی، آن است که کلام دارای فصاحت و بلاغت باشد؛ یعنی تا استخوان‌بندی سخن، درست و استوار نباشد، آوردن صنایع بدیع بیهوده و بی‌اثر است ... درستی سخن آن است که اجزاء کلام و ترکیب‌بندی آن، موافق قواعد دستور و لغت باشد (همایی، ۱۳۶۸: ۹-۱۰). آقای بارونیان، مؤلف کتاب شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، در معدود جملاتی که در ۷ فصل کتاب آورده است، پاره‌ای از سست‌پیوندی عبارت را نشان داده است که به بخشی از آنها اشاره می‌شود:

- ص ۳۱، سطر ۱: «داستان کوتاه جنگ، که در ادبیات داستانی ایران در دو دههٔ گذشته آن را ادبیات مقاومت، پایداری و دفاع مقدس می‌نامند، با وجود عمر کوتاه، گفتنی‌ها و نکات مثبت و ارزندهٔ بسیاری دارد». مشخص نیست آیا منظور مؤلف محترم این است که داستان کوتاه جنگ را ادبیات مقاومت می‌گویند؟

- ص ۹۱، سطر ۱۴: «اما یکی از مهم‌ترین عامل یا علت بروز جنگ تحمیلی، رژیم عراق می‌باشد».

- ص ۱۳۱، سطر ۲۳: «جنگ هشت‌ساله ... به مردم کشورمان تحمیل شد و انرژی زیادی از ما گرفت؛ جنگی بود که دقیقاً بر ما تحمیل شد و ناخواسته بود».

- ص ۱۳۴، سطر ۱۹: «ذات ادبیات پایداری به ادبیات دگرخواه گرایش دارد». مؤلف بدون اینکه توضیحی دربارهٔ «دگرخواه» بدهد، صرفاً با این جمله به ابهام عبارت می‌افزاید.

- ص ۱۳۵، سطر ۱۶: «این نوع ادبیات در جنبهٔ صوری ... از مهم‌ترین ویژگی صوری ادبیات مقاومت به شمار رفته است».

- ص ۲۴۵، سطر ۲۴: «زبان در داستان از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ تا جایی که وجودش بخشی از داستان را تشکیل می‌دهد و به عنوان

عصری اساسی و ارتباطی به حساب می‌آید». آیا می‌توان ادبیات را بدون زبان تصویر کرد؟!

### ارجاعات

اگرچه در این کتاب ارجاعات متعددی به چشم می‌خورد، اما در برخی موارد گیومه‌های موجود در متن نوشتار و ذکر جملهٔ «... نویسنده و منتقد ادبیات داستانی می‌گوید:» نشان می‌دهد جملهٔ مذکور نقل قول است، اما ارجاع آن مشخص نشده است؛ مانند: ص ۱۸۴، سطر ۱۲ به بعد؛ ص ۲۵۰، سطر ۱ تا ۲۲، و ...

### رویکرد تعلیمی به جای تحلیلی

یکی از مسائل مهم پژوهش‌های موضوع‌محور، توجه به جنبه‌های آموزشی است؛ حال آنکه در شیوه‌های مسئله‌پژوهی، محقق در تلاش است هسته‌های مسئله را در پیرامون همان مسئله بررسی و تحلیل نماید و مخاطب را به واکنش وادار نماید. اما در رویکردهای آموزشی، ما با نوعی تحکم کلام سروکار داریم و مخاطب جنبه‌ای منفعلانه خواهد داشت؛ مانند نمونه‌های زیر:

- ص ۱۲۵، سطر ۱۴ به بعد: «نگذارید ... نگذارید میدان‌داران بی‌میدان شوند؛ نگذارید بیدردان جایگزین برهنه‌ها شوند ...».

- ص ۲۳۴، سطر ۲۴: «به طور کلی، هر نویسنده‌ای در شخصیت‌پردازی، باید همیشه با شخصیت‌های داستانش باشد».

- ص ۲۴۹، سطر ۱۷: «پس در داستان کوتاه حادثه باید به دنبال حادثه دیگر بیاید».

- ص ۱۹۰، سطر ۳: «در تمام گونه‌های ادبی باید بازتاب واقعیت‌های اجتماعی جنگ، واقعیت‌های ملموس و عینی جامعه باشد؛ یعنی باید واقعیت‌های جامعه ... بیان نماید. نویسندگان باید عجز و واقعی دوران ... را در نظر داشته باشند».

در پایان، امیدواریم با گسترش هرچه بیشتر فعالیت‌های پژوهشی در زمینهٔ ادبیات پایداری، شاهد آفرینش آثاری ماندگار در این زمینه باشیم.

### پی‌نوشت

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان.  
\* از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۳ بیش از ۲۵۸ نویسندهٔ جنگ ظهور کردند و تا سال ۱۳۷۰ حدود ۱۶۰۰ عنوان داستان کوتاه و ۴۶ رمان دفاع مقدس در ایران نوشته شد. اولین داستان کوتاه دفاع مقدس، یعنی سرباز، نوشتهٔ میثاق امیرفجر است که در تاریخ دوازدهم مهر ۵۹ نوشته شده است و شاهدیم که شعر دفاع مقدس پس از آن به میدان آمده است. «دکتر محمدرضا سنگری» <http://www.ravy.ir/>